

How Iran Takes a Position against the Formation of the Confederation of Sheikhs in the South of the Persian Gulf (1968-1970)

Mohammad Jafar Chamankar*

Abstract

Iran's regional policy in the Persian Gulf and the Oman Sea underwent deep transformations in the 1940s/60s as a result of a series of internal developments and international approaches. The withdrawal of British forces from the Persian Gulf region and the Oman Sea and the emergence of a power vacuum, the issue of Bahrain and the formation of the South Persian Gulf Sheikh Federation were among the most important events that Iran was challenging and confronting in various ways. At the end of this decade, the small emirates south of the Strait of Hormuz, whose foreign and defense policy was managed by England and lacked independent political and administrative focus, demanded the formation of a kind of confederation. Iran opposed the establishment of this confederation. The purpose of this article is to examine the reasons for the strong opposition of the second Pahlavi government to the formation of the Federation of Persian Gulf Sheikhs at this point in time. In the end, it is concluded that due to the presence of Bahrain in this union, which Tehran considered to be part of its sovereignty, Iran opposed it, because from Tehran's point of view, Bahrain was considered a part of the country of Iran, and it was naturally possible to join it arbitrarily. There were no foreign treaties. Iran agreed to it only when the issue of

* Department of History, Urmia University, Urmia, Iran, outhstar_boy@yahoo.com

Date received: 2022/11/19, Date of acceptance: 2023/04/10



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Bahrain and the return of the three islands was concluded after complex negotiations behind the scenes.

Keywords: Iran, Persian Gulf, Bahrain, Confederation of Sheikhs, position.

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس (۱۳۴۶-۱۳۴۹ش)

محمدجعفر چمنکار*

چکیده

سیاست منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان در دهه ۴۰ شمسی / ۶۰ میلادی در نتیجه مجموعه تحولات داخلی و رهیافت‌های بین‌المللی دچار دگرگونی‌های عمیقی گشت. خروج نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس و دریای عمان و بروز خلا قدرت، مسئله بحرین و تشکیل فدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس از مهمترین رویدادهای بود که ایران به اشکال مختلف با آن در حال چالش و تقابل بود. در اواخر این دهه امارت‌های کوچک جنوب تنگه هرمز که سیاست خارجی و دفاعی آنان به وسیله انگلستان اداره می‌شد و فاقد تمرکز سیاسی و اداری مستقل بودند، خواستار تشکیل نوعی کنفدراسیون گشتند. ایران با تاسیس این کنفدراسیون به مخالفت پرداخت. هدف از این نوشتار بررسی علل مخالفت شدید دولت پهلوی دوم نسبت به شکل‌گیری فدراسیون شیوخ خلیج فارس در این مقطع زمانی می‌باشد. در پایان نتیجه گرفته می‌شود که ایران به علت حضور بحرین در این اتحادیه که تهران آن را بخشی از حاکمیت خود می‌دانست با آن به مخالفت پرداخت زیرا از دیدگاه تهران، بحرین بخشی از کشور ایران محسوب می‌شد و به صورت طبیعی امکان الحاق خودسرانه آن به معاهدات خارجی وجود نداشت. ایران تنها هنگامی که مسئله بحرین و بازگشت جزایر سه‌گانه پس از مذاکرات پیچیده پشت پرده به نتیجه رسید، با آن موافقت نمود.

کلیدواژه‌ها: ایران، خلیج فارس، بحرین، کنفدراسیون شیوخ، موضع‌گیری.

* دانشیار تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، southstar_boy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱



۱. مقدمه

چگونگی برخورد با مسئله تاسیس کنفدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس با توجه به عضویت بحرین که ایران آن را بخشی از خاک خود می‌دانست، یکی از مهمترین چالش‌های حاکمیت پهلوی دوم در اواخر دهه ۴۰ شمسی / ۶۰ میلادی می‌باشد. نوشتار حاضر برای پاسخگویی به علت موضع‌گیری ایران در برابر این رویداد با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و بر پایه استفاده از منابع اصلی از جمله مطالعه روز به روز نشریات و اسناد غیر منتشره آرشیوهای مختلف بخصوص سازمان اسناد ملی ایران شکل گرفته است. انتشار برخی از اسناد اهدایی اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران (۱۳۵۰-۱۳۴۵ش) و آخرین سفیر شاه در آمریکا به موسسه هوور در دانشگاه استنفورد آمریکا در سال ۱۳۹۴، نقطه عطفی در شناخت بخش مهمی از زوایای تاریک، ابهامات و سوالات بی‌پاسخ در مورد شکل‌گیری کنفدراسیون شیوخ و ارتباط آن با موجودیت سیاسی بحرین بوده است. تا آنجا که نگارنده می‌داند تشکیل کنفدراسیون امارت‌های جنوب تنگه هرمز و تقابل و تعامل با آن یکی از کم‌شناخته‌ترین مسائل تاریخ معاصر ایران و منطقه خلیج فارس می‌باشد که بجز کتاب «نقش آفرینی ایران در خلیج فارس» نگارش محمدجعفر چمنکار در سال ۱۳۹۶ تاکنون به آن پرداخته نشده است. در نتیجه این پژوهش تنها می‌تواند بایی برای مطالعات بهتر و افزونتر باشد.

۲. تلاش ایران برای اعاده قدرت و حاکمیت سرزمینی در خلیج فارس پس از

کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت تدریجی پایه‌های حکومت پهلوی دوم، فرایند نوین توسعه نقش‌آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان آغاز گردید. پس از سقوط دولت مصدق، روابط ایران و انگلستان که در رکود کامل به سر می‌برد، جریان یافت. تحرکات سیاسی و اقتصادی فی‌ما بین از ۱۴ آذر ۱۳۳۲، مجدداً آغاز شد، اختلافات نفتی برطرف گردید و نیروهای نظامی بریتانیا آب‌های ساحلی ایران را ترک نمودند (استادوخ، ۱-۱۲-۶، ۱۳۳۲ش). در فروردین ماه ۱۳۳۵ / ۱۹۵۶، مقارن با دولت حسین علاء (اول فروردین ۱۳۳۴ تا ۱۲ فروردین ۱۳۳۶، ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷م)، وزارت امور خارجه ایران به ریاست علیقلی اردلان (۱۳۶۵-۱۲۷۸ش)، اسناد حاکمیت بر بحرین را انتشار داد و این موضوع در مجلس شورای ملی مطرح گردید (آوری، ۱۳۶۸: ۹-۱۵۸؛ اطلاعات هفتگی، ش ۷۹۴، آذر ۱۳۳۵: ۳۲-۳۱)؛

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۱۵

خوشه، ۱۳۳۵/۱/۱۷: ۶-۷). بر این اساس بحرین «ملک مطلق» ایران محسوب می‌گشت (روشنفکر، ۱۳۳۵/۱/۱۶: ۴-۵). هیئت وزیران مقارن با دولت دکتر منوچهر اقبال (۱۴ فروردین ۱۳۳۶ تا ۶ شهریور ۱۳۳۹، ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰م)، لایحه‌ای را برای تقدیم به مجلس شورای ملی و سنا تصویب کرد که بحرین را استان چهاردهم ایران معرفی کرد (زرین قلم، ۱۳۳۷: ۲۹۴-۲۹۲). به موجب لایحه جدید تقسیمات کشوری، بحرین، سیستان، لرستان و کردستان هر یک به صورت استان جداگانه‌ای در آمده و ایران به جای ده استان، دارای چهارده استان گردید (تهران مصور، ۱۳۳۶/۱۰/۷: ۳-۴). تصمیم دولت مخصوصاً از این لحاظ مهم بود که بحرین نیز به طور رسمی به صورت یکی از استان‌های ایران درآمده و پس از تصویب لایحه جدید تقسیمات کشوری در مجلسین، دولت موظف بود برای احراز حق حاکمیت ایران بر بحرین دست به اقدامات جدی و اساسی بزند (ساکما، ۲۳۰/۳۸۵۵۴؛ بامشاد، ۱۳۴۲/۱۱/۷: ۸؛ امید ایران، ش ۲۵، آذر ۱۳۳۶: ۵). این رویداد مورد اعتراض شدید انگلستان قرار گرفت. سه روز پس از مصوبه هیات دولت، جان راسل (John Russell) کاردار سفارت انگلیس در تهران پس از دیدار با دکتر اردلان وزیر امور خارجه وقت ایران، نسبت به این تصمیم اعتراض کرد و بحرین را تحت‌الحمایه انگلیس خواند. نماینده‌ای از اعضای مجلس عوام انگلیس هم طی نطقی به ایران حمله و تهدید کرد انگلیس با توسل به زور مقابل این تصمیم ایران خواهد ایستاد. همزمان با اعتراض انگلیسی‌ها، نمایندگان مجلس ایران نیز در نطق‌های متعددی با حمایت از این تصمیم دولت، به مسوولان لندن پیوندهای تاریخی ایران و بحرین را یادآور شدند. چنانکه ارسال خلع‌تبری (۱۳۵۵-۱۲۸۳ش) نماینده مردم بابل در جلسه ۱۳۲ مجلس نوزدهم شورای ملی (پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۳۶) بحرین را همواره بخشی از ایران دانست (تاریخ ایرانی، ۱۳۹۰: ۴-۱). مجله خواندنیها نیز در شماره سه شنبه ۲۸ آبان این سال، ۱۳۵۷/۱۱/۱۹م به لایحه جدید، واکنش‌های دولت انگلستان و سیاست‌های ایران پرداخت و عنوان نمود که «در وضع موجود بحرین جزو لایتنج‌های ایران است (خواندنیها، ۱۳۳۶/۸/۲۸: ۸).

کشورهای تندرو عرب بویژه مصر و عراق نیز با محکومیت ایران، بحرین را بخشی از سرزمین ملت عرب دانستند. این نظریه در سال ۱۳۳۳ش / ۱۹۵۴م، به تصویب اتحادیه عرب رسیده بود. در کنفرانس قاهره در سال ۱۳۳۶، مصر پیشنهاد اعطای خودمختاری به بحرین را مطرح کرد (فرمان، ۱۳۳۶/۱۰/۱۸: ۱). وزیر امور خارجه ایران در واکنش به این اظهارات اعلام کرد که ایران هرگونه اقدامی را که برای تثبیت حاکمیت خود بر بحرین لازم بداند، اجرا خواهد کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸: ۲۱۵). اردلان طی سخنانی در جلسه ۱۳۹ مجلس نوزدهم

شورای ملی در روز یکشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۳۶ از موضع گیری انگلیسی ها ابراز تاسف کرد و در سخنانش به اسنادی تاریخی از حاکمیت ایران بر بحرین اشاره کرد (تاریخ ایرانی، ۱۳۹۰: ۴-۵). شاه نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی در آبان ۱۳۳۷/ نوامبر ۱۹۵۸، تأکید نمود که بحرین جزء لاینفک ایران است و وفاداری و ابزار تمایل حکمران وقت بحرین به تهران را به عنوان یک استنادار وابسته با خشنودی تلقی می کند (چمنکار، ۱۳۸۴: ۱۴۹). در همین سال نمایندگی ایران مذاکرات مربوط به حق حاکمیت ایران بر بحرین را در سطوح بین المللی ادامه دادند (ساکما، ۲۳۰/۷۴۰۶). مقارن با این تحولات، مقامات ایران به اقدامات دولت انگلیس که منامه بحرین را به عنوان یک بندر آزاد اعلام کرده بود، شدیداً اعتراض نمودند (چمنکار، ۱۳۹۶: ۳۰۰). به گفته منوچهر سعید وزیری (۱۳۹۲-۱۲۹۹ش) نماینده مجلس و سردبیر روزنامه اطلاعات، طرح های برای تصرف ناگهانی بحرین از سوی ساواک به ریاست تیمور بختیار در اوایل دهه ۴۰ش/۶۰م تهیه شده بود که به مرحله اجرایی منتهی نگشت (سعید وزیری، ۱۳۸۷: ۴۹۵-۴۹۲).

۳. مسئله تشکیل فدراسیون امارات جنوب خلیج فارس

انگلستان در اواخر دهه ۴۰ شمسی / ۶۰ میلادی در دوران حکومت کارگری جیمز هارولد ویلسون (James Harold Wilson) (۱۹۱۶-۱۹۹۵م) تحت تأثیر برخی از تحولات منفی داخلی و خارجی تصمیم به خروج نیروهای خود از منطقه خلیج فارس گرفت. همزمان با این تحولات، مسئله تشکیل کنفدراسیون (confederation) امارات خلیج فارس متشکل از بحرین، قطر و شیوخ هفت گانه ابوظبی، دبئی، شارجه، راس الخیمه، ام القوین، عجمان و فجیره مطرح و یکی از گزینه های دولت انگلستان برای استمرار نفوذ و حفظ منافع در منطقه خلیج فارس و دریای عمان پس از خروج کامل نیروهای خود محسوب گردید (beck, 1978: 78). بر اساس نظام کنفدراسیون، با اتحاد چند ناحیه یا امارت نشین، یک دولت واحد تشکیل می گشت اما هرکدام استقلال داخلی و خودمختاری خود را داشتند (صوت الخلیج، ۲۵ ایلول ۱۹۶۹: ۱؛ الرای العام الکویت، ۲۹ ایلول ۱۹۶۹: ۱). مقامات ایران بر این عقیده بودند که تشکیلات عشائری و سازمان کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس امکان سازگاری و آمیزش واقعی با یکدیگر را نداشته و سرنوشت این فدراسیون به همان نتیجه ای خواهد رسید که فدراسیون ناکام و فروپاشیده کشورهای عربستان جنوبی، یمن و عدن در گذشته به آن دست یافتند (اطلاعات، ۱۳۴۷/۳/۸: ۱۰۴؛ آیندگان، ۱۳۴۸/۱۰/۱: ۳). با این وجود حاکم بحرین در ۸ اسفند ۱۳۴۶ / ۲۷ فوریه ۱۹۶۸

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۱۷

قرارداد الحاق به کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس را امضا کرد و از این تاریخ تقابل ایران با آن آغاز شد (نهادندی و بوماتی، ۱۳۹۲: ۵۸۵).

۴. چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تاسیس کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس

۱.۴ مخالفت شدید تا پیش از حل مسئله بحرین و جزایر سه‌گانه

تقابل ایران و انگلیس در دهه ۴۰ ش ۶۰ میلادی در حوزه خلیج فارس ادامه یافت. از سال ۱۳۴۷ ش ۱۹۶۸ م با طرح تشکیل فدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس که بحرین را نیز دربر می‌گرفت، این فرایند تشدید گشت. به منظور اثبات حاکمیت بر بحرین، مجموعه‌ای از اسناد تاریخی در آرشیوهای بریتانیا بوسیله ابراهیم تیموری مورخ ایرانی گردآوری شد (میلانی، ۱۳۹۲: ۴۰۹). اگر چه بحرین با حمایت انگلستان به عنوان عضو ناظر وارد برخی مراجع بین‌المللی شد (نهادندی و بوماتی، ۱۳۹۲: ۵۸۵)، اما از دیدگاه ایران، حضور آن در تمام سازمان‌ها و محافل رسمی سیاسی و حقوقی بین‌المللی غیر قانونی محسوب می‌گردد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۷: ۴۲). این مسئله یکی از موارد مهم کلیدی از پنج اصل مبانی موضع ایران در برابر بحرین بود (نهادندی و بوماتی، ۱۳۹۲: ۵۸۵).

در روز دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۴۷، ۱/۴/۱۹۶۸ بیانیه رسمی دولت ایران که به وسیله عبدالحسین حمزوی معاون اطلاعاتی و مطبوعاتی وزارت امور خارجه در اختیار جراید قرار گرفت، ضمن اعلام حمایت از ثبات و امنیت در خلیج فارس، به حضور بحرین در تشکیل احتمالی فدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس واکنش انتقادی شدیدی نشان داد. براساس این اعلامیه، بحرین جزئی از خاک ایران محسوب شده و امکان شراکت آن در کنفدراسیون شیوخ وجود نداشت:

«انگلستان نمی‌تواند سرزمین‌هایی را که به زور و تزویر از ایران جدا کرده است، به ارث به دیگران ببخشد و دولت ایران کلیه حقوق خود را در خلیج فارس محفوظ نگاه خواهد داشت» (اطلاعات، ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱۷؛ گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۴، ۱۳۶۴: ۱۷۲۱). بیانیه دولت ایران بار دیگر موید و نشان دهنده سیاست مستقل خارجی و حفظ منافع کشور در سطوح منطقه‌ای و جهانی بود. بر این اساس ایران هرگونه تصمیمی را که درباره آینده خلیج فارس با حمایت نیروهای خارجی گرفته می‌شد، تأیید نکرده و در جریان هرگونه تحولی، می‌بایست نقطه نظرات ایران تأمین گردد. اعلامیه رسمی دولت مورد توجه محافل

سیاسی و خبرگزاری‌های گوناگون بین‌المللی قرار گرفت. خبرگزاری فرانسه به بررسی تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس در مذاکرات اخیر اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران و جورج براون (George Brown) (۱۹۱۴-۱۹۸۵م) وزیر خارجه وقت انگلیس اشاره نمود. رادیو لندن تشکیل این کنفدراسیون را مورد حمایت جناح‌های تندرو جهان عرب از جمله مصر و جمال عبدالناصر دانست که بدنبال نفوذ هر چه بیشتر در منطقه بودند. روزنامه فایننشال تایمز (Financial Times) نیز با بررسی این بیانیه، عنوان نمود: «از یک لحاظ ایران در خلیج فارس حق دارد، زیرا ایران با جمعیتی ۲۶ میلیونی، یک اقتصاد سالم و روشن و ارتشی مجهز و قوی در موقعیتی قرار دارد که باید اعراب را وادار به تأمل و اندیشه نماید» نشریه یونایتد پرس (United Press) نیز نوشت که ایران بار دیگر حاکمیت خود نسبت به خلیج فارس را تکرار و تأکید کرد (همان، ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱۷). تایمز (The Times) لندن نیز با اشاره به کاهش قدرت و نفوذ انگلستان در منطقه خلیج فارس و توجه شیوخ به اقدامات و تصمیمات ایران و عربستان، تشکیل فدراسیون امارات را زمینه‌ای مناسب برای رسوخ اندیشه‌های چپ‌گرایانه و مخرب به ویژه از سوی هواداران جبهه انقلابیون عربستان جنوبی که در محدوده یمن جنوبی و جنوب سلطنت عمان و مسقط فعالیت می‌نمودند دانست (همان، ۱۳۴۷/۱/۱۵: ۱۷ و ۱). مقارن با این تحولات، شاه در مراسم افتتاح کارخانه ذوب آهن اصفهان طی سخنانی به رعایت حقوق و منافع ایران در خلیج فارس از سوی قدرت‌های بزرگ هشدار داد (همان، ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱۷). هفته‌نامه اکسپرس (L'EXPRESS) نشریه دست چپی فرانسه با اشاره به موضع‌گیری‌های محکم تهران، آن را نشانه تجدید حیات سیاسی و پیامدهای مستقیم دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های دانست که ایران در پنج سال اخیر به آن دست یافته است. این نشریه با تأکید بر این موضوع که ایران خواستار تبدیل خلیج فارس به دریای صلح و آرامش است، سخن شاه را مطرح نمود: «توسل به زور به یک قرن پیش تعلق دارد و ما اجازه نخواهیم داد انگلیسی‌ها به هرکاری که توانستند در این منطقه دست بزنند» (همان، ۱۳۴۷/۱/۲۷: ۱۷ و ۱).

مقارن با این تحولات دنیس رایت (Sir Denis Wright) (۱۹۱۱-۲۰۰۵م) سفیر انگلستان در ایران در گزارشی به وزارت امور خارجه بریتانیا در ۱۸ فروردین ۱۳۴۷/۷ آوریل ۱۹۶۸ از مخالفت شاه با الحاق بحرین به کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس خبر داد (میراث ایران، <https://persian-heritage.com>). در اردیبهشت ۱۳۴۷/۸/۱۹۶۸، سفر شاه به عربستان سعودی در اعتراض به مسافرت شیخ بحرین به این کشور و ملاقات با مقامات ریاض و انعقاد قرار داد در مورد ساخت یک پل میان خاک عربستان و بحرین، لغوگردید و مقامات ایران اعتراض

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۱۹

شدید خود را به دولتمردان عربستان ابلاغ نمودند (همان، ۱۳۴۷/۲/۱۸: ۳ و ۱) مقارن با تنش فی مابین ایران و عربستان، شاه در مصاحبه‌ای با روزنامه‌های رای‌العام کویت در مورد تشکیل فدراسیون امارات خلیج فارس، تأکید کرد که ما معترض این فدراسیون نمی‌شویم، به شرطی که در تشکیل آن حقوق تاریخی و منطقه‌ای ما رعایت شود (همان، ۱۳۴۷/۲/۲۲: ۴ و ۱). شاه در ابتدای خرداد ماه ۱۳۴۷/۱۳۴۷/۵/۲۵ نقطه نظرات مقامات و سیاست ایران در ارتباط با تشکیل کنفدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس و مخالفت با «میراث امپریالیزم کهن بریتانیا» را تکرار کرد (همان، ۱۳۴۷/۳/۴: ۲۱ و ۱). او در مصاحبه‌ای دیگر با سردبیر روزنامه دان چاپ کراچی پاکستان به شدت تشکیل فدراسیون شیوخ را مورد انتقاد قرار داد و آن را یک «تمهید امپریالیستی» از سوی سیاستمداران استعمار انگلستان دانست تا پس از خروج ظاهری خود از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱م، از در دیگری وارد شوند (همان، ۱۳۴۷/۳/۶: ۱۷ و ۱). هم‌زمان با سیاست منتقدانه ایران، روزنامه تایمز لندن از جلسه حکام شیوخ جنوب خلیج فارس با مشارکت بحرین در امارت ابوظبی گزارش داد. این خبر در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران واکنش‌های تندی را به همراه داشت. از دیدگاه مقامات ایران، طراح و جهت‌دهنده اصلی این گونه جلسات، استعمار انگلستان بود (همان، ۱۳۴۷/۳/۸: ۱۷).

روزنامه آیندگان در تحلیلی با بررسی تلاش عوامل داخلی و خارجی در تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس، از موافقت تهران با آن بدون عضویت بحرین خبر داد (آیندگان، ۱۳۴۸/۳/۱۱: ۲).

با افزایش مخالفت ایران با حضور بحرین در فدراسیون شیوخ خلیج فارس، راهکارهایی به وسیله مقامات کشورهای گوناگون با هدف خروج از این بن‌بست مطرح شد. روزنامه تایمز در ابتدای مرداد این سال ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۸، خواستار اعطای امتیازات بیشتر به ایران گشت (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۴، ۱۳۶۴: ۱۷۵۵). ملک حسن پادشاه مراکش که روابط بسیار نزدیکی با تهران داشت، پیشنهاد نمود که بحرین از عضویت در این فدراسیون کنار گذاشته شده و در مقابل، ایران از تأسیس آن حمایت نماید (اطلاعات، ۱۳۴۷/۳/۱۴: ۴). خبرگزاری آلمان در ابتدای تیر ۱۳۴۷/۱۳۴۷/۶/۲۵م، با استناد به منابع نیمه رسمی کویت گزارش داد که در صورت حفظ منابع تهران، ایران به همراه عربستان، کویت و عراق، حافظ صلح و امنیت فدراسیون در حال تشکیل شیوخ خلیج فارس خواهد شد (همان، ۱۳۴۷/۴/۴: ۲۱). چگونگی موضع‌گیری و سیاست ایران در قبال فدراسیون شیوخ خلیج فارس در بیانیه‌ای که به وسیله عبدالحسین حمزاوی معاون مطبوعاتی وزارت امور

خارجه در روز دوشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۴۷/۷/۸/۱۹۶۸ در اختیار جراید عمومی قرار گرفت، مجدداً رسماً اعلام شد. در این بیانیه با ذکر مطالبی در خصوص سوابق استعمار انگلستان در خلیج فارس و هدف از پیگیری این طرح، بر مخالفت‌های دولتمردان ایران، تأکید شد (همان، ۱۳۴۷/۷/۱۸: ۲۱ و ۱؛ کیهان، ۱۳۴۷/۴/۱۸: ۱). مقارن با این تحولات، گورنوی رابرتس (Gornoy Roberts) وزیر مشاور کابینه کارگری انگلستان در مصاحبه‌ای با احمد جاراالله مدیر روزنامه‌السیاسیه کویت در ابتدای مرداد این سال، ضمن اشاره به روابط و پیوند‌های طولانی مابین لندن و بحرین، عنوان کرد که بحرین سالیان دراز کشور مستقلی بوده و حضور انگلستان در آن با استقلال این امارت منافاتی ندارند. این اظهارات بشدت از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران مورد انتقاد قرار گرفت و تأکید گردید که دولت و ملت ایران هرگز بحرین را مستقل ندانسته است (اطلاعات، ۱۳۴۷/۵/۲: ۲۱ و ۱). روزنامه اطلاعات در سر مقاله‌ای با عنوان بحرین، کشور مستقل؟ با اشاره به این تحولات، دعوی استقلال بحرین را جزئی از سیاست کل دولت بریتانیا دانست که در خلیج فارس ظاهر آن عوض شده، اما ماهیت آن تغییری نکرده است و انگلستان هم چنان به سیاست کهنه استعماری خود ادامه می‌دهد (همان، ۱۳۴۷/۵/۳: ۲). با افزایش انتقادات و موضع‌گیری‌های سرسختانه ایران، تایمز لندن در نوشتاری خواستار اعطای امتیازات بیشتر به تهران در ازای جلب حمایت آن کشور در مورد تشکیل فدراسیون شیوخ شد (همان، ۱۳۴۷/۵/۵: ۴ و ۱). بر اساس این طرح، یک خط میانه در خلیج فارس تعیین می‌گردید و سواحل وسیعی برای اکتشافات نفتی در اختیار ایران قرار می‌گرفت. برای ترسیم این خط میانه و امکان دسترسی ایران به محدوده آبی و ذخایر انرژی بیشتر، جزایر سه‌گانه تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی که از لحاظ تاریخی و حقوقی، بخشی از خاک ایران محسوب می‌گردید، به صورت رسمی اعاده می‌شد. پس از انتشار نوشتار روزنامه تایمز لندن، خبرگزاری فرانسه اعلام نمود که مقامات انگلستان برنامه‌ای برای مذاکره با دولت ایران در این زمینه ندارند، با این حال چاپ مقاله تایمز به منزله پرتاب توپ آزمایشی از سوی انگلستان به منظور پی بردن به عکس‌العمل‌های احتمالی کشورهای ذی‌نفع در منطقه خلیج فارس بود (همان، ۱۳۴۷/۵/۶: ۴ و ۱). در همین زمان اردشیر زاهدی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که مخالفت ایران با کنفدراسیون شیوخ تنها به علت حضور بحرین نیست و موارد اختلافی دیگر از جمله مناقشه بر سر جزایر را نیز در بر می‌گیرد (کیهان، ۱۳۴۷/۶/۶: ۱). با وجود برخی تنش‌های تحمیل شده بر منطقه خلیج فارس و تلاش در جهت تیره نمودن روابط همسایگان، ایران همواره یکی از نخستین مناطقی محسوب می‌گردید که رهبران

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۲۱

شیخ‌نشین های جنوب تنگه هرمز برای بازدید های سیاسی و اقتصادی بدان گرایش می یافتند. در ابتدای شهریور ۱۳۴۷، حاکم شیخ‌نشین فجیره به تهران مسافرت کرده و ضمن ملاقات با مقامات عالی رتبه، از مراکز اقتصادی ایران بازدید کرد. اطلاعات در سر مقاله ای با عنوان «وداع با استعمار»، ضمن اشاره به اینگونه دیدارها، از احترام کامل ایران به حقوق و شئون کشورها و امارات منطقه خلیج فارس با وجود دفاع از منافع خود، سخن گفت (همان، ۱۳۴۷/۶/۱۰: ۲). در روز یکشنبه ۱۲ آبان همین سال ۱۹۶۸/۱۲/۳، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان حکمران ابوظبی نیز با استفاده از جت شرکت هواپیمایی ایران، برای یک دیدار رسمی وارد تهران گردید. او دیدار از ایران را مایه خرسندی فراوان خود دانسته و از مساعدت مقامات در جهت تسهیل مسافرت و همکاری ایران با ابوظبی و امارات دیگر سپاسگذاری نمود (همان، ۱۳۴۷/۸/۱۳: ۴ و ۱؛ ۱۳۴۷/۸/۱۸: ۴). با پیروزی ریچارد نیکسون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ابتدای آذر ماه ۱۳۴۷، سیاست خارجی واشنگتن نیز در نزدیکی هر چه پیش‌تر به دولت پهلوی دچار تغییرات عمده‌ای گردید (همان، ۱۳۴۸/۵/۵: ۱؛ ۱۳۵۱/۲/۹: ۱). بنا بر گزارش کنگره آمریکا، ایران می‌توانست در زمانی کوتاه به عنوان یک ابرقدرت منطقه ای تلقی شود (آوری، ۱۳۸۸: ۱۴۷). روزنامه اطلاعات با اشاره به تحولات نوین دیپلماتیک جهان و حقوق ایران در منطقه خلیج فارس، در سرمقاله ای، با عنوان «ایران در حفظ حقوق خود سخت گیر است»، تأکید کرد بدون هیچ تردیدی دولت ایران قدرت آن را دارد که از منافع خود در خلیج فارس دفاع کند و این حقوق را به جهت خود محفوظ می‌دارد که در صورت لزوم از هیچ اقدامی ولو توسل به قدرت نظامی فروگذار نکند (اطلاعات، ۱۳۴۷/۱۰/۱: ۲). در همین زمان شیخ راشد بن سعید آل مکتوم حاکم امارت دبی از طریق بندر عباس به تهران عزیمت نموده و با مقامات سیاسی و اقتصادی ایران دیدار کرد. او مراحم خاص ایران نسبت به شیوخ خلیج فارس را موجب سپاسگزاری کامل خود دانست (همان، ۱۳۴۷/۱۰/۴: ۲۵).

۲.۴ موافقت با تشکیل فدراسیون شیوخ پس از شکل‌گیری سیاست جدید ایران

در خلیج فارس

نخستین اظهار نظر رسمی شاه در مورد مسئله بحرین و تشکیل فدراسیون شیوخ در اواسط دی ۱۳۴۷/۱۰/۱۵ به هنگام دیدار وی از دهلی نو صورت گرفت. این سخنان دارای

اهمیت فراوان و حائز نکاتی مشخص برای ترسیم سیاست های آتیه ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود :

این اولین بار است که من رسماً درباره مسئله سخن می گویم. این جزیره صد و پنجاه سال پیش توسط انگلیسی ها از وطن جدا شد. نمی توانیم بپذیریم جزیره ای که توسط انگلیسی ها از کشور ما جدا شده ، توسط ایشان ولی به حساب ما به کسان دیگری داده شود. این اصلی است که ایران نمی تواند از آن صرف نظر کند(همان، ۱۵/۱۰/۱۳۴۷: ۱۷ و ۱) شاه در ادامه برای نخستین بار از تحول نگرش و چگونگی موضع گیری ایران در مورد حاکمیت و استقلال مجمع الجزایر بحرین سخن گفت :

ایران از سوی دیگر پیوسته با این سیاست خود دل بستگی داشته است که هرگز برای به دست آوردن اراضی و امتیازات ارضی علیه مردم تمایل مردم آن سامان به زور متوسل نشود. من می خواهم بگویم اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند، ما هرگز به زور متوسل نخواهیم شد، زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ما است که برای گرفتن این سرزمین خود به زور متوسل شود. دوماً، گرفتن و حفظ کردن سرزمین که مردم آن با شما ضدیت داشته باشد، چه فایده ائی خواهد داشت. قبل از هر چیز این عمل اشغال محسوب می شود. در هر حال بعد اشغال شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای اشغال گر خود باشید و در تمام اوقات سربازان شما باید در خیابان ها پاس بدهند و پیوسته در معرض خطر گلوله و نارنجک و این قبیل مخاطرات باشند. سیاست و فلسفه ما این است که با اشغال و گرفتن سرزمین های دیگر از طریق زور مخالف باشیم. این روشن ترین چیزی است که من می توانم در این زمینه به شما بگویم (همان).

با وجود این سخنان، شاه مجدداً تاکید کرد:

«اما نمی توانیم تحمل کنیم که چیزی را که به ما متعلق بوده است، به کسان دیگر بدهند» (کیهان، ۱۶/۱۰/۱۳۴۷: ۱).

شاه در جواب سوالی در مورد امکان برگزاری فرماندوم تعیین سرنوشت در بحرین نیز گفت:

«من نمی خواهم در این موقعیت در این باره وارد جزئیات شوم، اما هرکاری که بتواند اراده مردم بحرین را به نحوی که نزد ما، شما و همه جهان به رسمیت شناخته شود، نشان دهد، خوب است» (همان: ۱۷ ؛ کیهان، ۱۵/۸/۱۳۴۷: ۱).

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۲۳

سخنان شاه در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران و جهان انعکاس فراوان همراه با موضع‌گیری متفاوت داشت. روزنامه اطلاعات در سرمقاله خود، مسئله بحرین را به مثابه استخوانی در لای زخم دانست که عدم حل این مشکل، فرایند پیشرفت و نقش آفرینی نوین ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت (اطلاعات، ۱۳۴۷/۱۰/۱۶: ۲؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۹: ۲).

پس از اعلام نظر رسمی مقامات ایران در مورد بحرین، حقوق قانونی ایران و آینده این جزیره، برخی از مطبوعات جهان عرب، سیاست تهران را در منطقه خلیج فارس مورد هجوم و چالش قرار دادند. هفته‌نامه صوت الخلیج چاپ کویت در شماره اخیر خود در مقاله‌ای تحت عنوان «شاهنشاه ما اعتراض داریم»، به سخنان شاه اعتراض نمود و مسئله پان عربیسم را مشخصه اصلی این جزیره دانست. هفته‌نامه الحدث نیز خواستار تشکیل یک نیروی دریایی عربی با هدف مقابله با تحول نقش آفرینی ایران شد (همان، ۱۳۴۷/۱۰/۲۲: ۱ و ۱۷).

مقامات تهران در جواب این گونه انتقادات چپ‌گرایان جهان عرب، ایران را دارای بیش‌ترین حق دعوی بر بحرین دانستند، درحالی‌که با وجود توانمندی نظامی، قدرت احقاق حق و اعمال نظر عملی و واقعی خود را نیز دارا بود (همان، ۱۳۴۷/۱۰/۲۳: ۲). مقارن با نظریات، سیاست و موضع‌گیری جدید ایران در ارتباط با بحرین و فدراسیون شیوخ، شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان ولیعهد ابوظبی در رأس یک هیئت سیزده نفره به تهران مسافرت کرد. امری که نشانگر روابط و پیوندهای تنگاتنگ ایران با سرزمین‌های جنوب خلیج فارس، با وجود تمامی تبلیغات منفی بود (همان، ۱۳۴۸/۲/۲: ۲۱). همچنین شیخ مکتوم بن راشد آل مکتوم ولیعهد دبی در اوایل خرداد ۱۳۴۸، ضمن مسافرت به تهران، با شاه دیدار نمود (همان، ۱۳۴۸/۳/۳: ۱).

در خلال اجلاسیه شانزدهم وزیران سازمان پیمان ستو که در ۱۳۴۸/۳/۵ تا ۱۳۴۸/۳/۲۶/۵م در تهران برگزار گردید، مسئله بحرین و تشکیل فدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس از موضوعات عمده مورد بحث بود. اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه‌ای با مطبوعات و جراید داخلی و خارجی اعلام نمود که تهران از تشکیل فدراسیون شیوخ در صورت عدم حضور و شراکت بحرین که ایران آن را جزئی از خاک خود می‌دانست، حمایت خواهد نمود (همان، ۱۳۴۸/۳/۷: ۱ و ۲). زاهدی برای نخستین بار نیز از نقش سازمان ملل در حل و فصل مسألت آمیز قضیه بحرین سخن گفت (همان).

پیرو گفتگوهای فشرده میان لندن و تهران برای رفع اختلافات فی مابین، آخرین مرحله از مذاکرات حساس در ۸ خرداد ماه این سال انجام گرفت و مقامات از نتایج بدست آمده ابراز

رضایت کردند. رادیو لندن و روزنامه تایمز لندن ضمن بررسی مذاکرات پیچیده طرفین، از اهمیت مسئله ارسال پرونده بحرین به سازمان ملل سخن گفتند (همان، ۱۳۴۸/۳/۸: ۴). با این حال مایکل استوارت (Michael Stewart) (۱۹۰۶-۱۹۹۰م) وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس در مصاحبه ای با جراید در روز پنج شنبه ۸ خرداد ۱۳۴۸/۲۹/۵/۱۹۶۹م، اذعان کرد که اختلافات ایران و انگلستان بر سر مالکیت بحرین همچنان وجود دارد اما برای بر طرف نمودن این موارد، امیدواری فراوان است. استوارت هم چنین به ارتباط تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس با چگونگی موضع گیری ایران اشاره کرد (همان، ۱۳۴۸/۳/۱۰: ۵). در همین زمان شاه در مصاحبه ای با عبدالعزیز المساعید نماینده مجلس کویت و مدیر روزنامه الرای العام این کشور، رسماً به استقلال یک جانبه و خود سرانه بحرین هشدار داد (همان، ۱۳۴۸/۳/۱۱: ۱۷).

پیرو این تحولات، عباس مسعودی (۱۲۷۴-۱۳۵۳ش) نماینده مجلس و مدیر موسسه اطلاعات در مجموعه گزارشاتی که پس از دیدار از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس منتشر کرد، به نفوذ عنصر و فرهنگ ایرانی در این مناطق اشاره نموده است. او پس از دیدار با شیخ زاید آل نهیان امیر امارت ابوظبی، از صداقت و صمیمت وی با ایران سخن گفت و عنوان کرد که تهران به نوعی «چشم امید» آنها برای حمایت و پیشرفت های اقتصادی به شمار می رفت (همان، ۱۳۴۸/۳/۱۵: ۷). اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران در اول مرداد ماه ۱۳۴۸/۷/۲۳/۱۹۶۹ در ملاقاتی با سفیر یوگسلاوی، ضمن بررسی تحولات خلیج فارس و تشکیل فدراسیون شیوخ، بر حقوق قانونی در بحرین که جزئی از خاک ایران محسوب می گردید و همچنین احترام به خواسته و تصمیمات مردمان ساکن این مجمع الجزایر تأکید نمود (همان، ۱۳۴۸/۵/۲: ۱۷). زاهدی در این گفتگو به طور روشن از به کارگیری قدرت قهریه در دفاع از حقوق ایران در صورت عدم توجه به منافع و علائق تهران سخن گفت، که هشدار برای پیمان شکنان خارجی و منطقه ای محسوب گشت (همان). در اواسط شهریور ماه این سال، شاه در مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه دان پاکستان در کاخ سعد آباد، مجدداً از عدم مخالفت با تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس، در صورت رعایت و در نظر حقوق و منافع مردم ایران تأکید کرد، توجه به خواسته حقیقی ساکنان بحرین با نظارت شورای امنیت سازمان ملل و علاقمندی ایران به پیشرفت و سعادت منطقه خلیج فارس از دیگر مسائلی بود که شاه بر آن تأکید کرد (همان، ۱۳۴۸/۶/۱۱: ۴ و ۱). نشریه ایونینگ نیوز لندن (London Evening News) در شماره ۲۲ شهریور این سال / ۱۳۶۹/۹/۱۳، مصاحبه مفصل شاه با روی روبک (Roy Rubik) نویسنده این روزنامه و عضو حزب کارگر و نماینده مجلس عوام انگلیس را

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۲۵

منتشر کرد. در این گفت‌وگو نیز شاه بر عدم صرف نظر نمودن ایران از حقوق و منافع خود در بحرین تأکید کرد. به گفته وی ایران تنها هنگامی تأسیس فدراسیون شیوخ را به رسمیت می‌شناخت که وضعیت بحرین با نظارت سازمان ملل مشخص شده باشد. شاه هم‌چنین تهدید کرد که در صورت عضویت خود سرانه بحرین در سازمان ملل، ایران عضویت خود را در این سازمان، لغو و آن را ترک خواهد نمود (همان، ۱۳۴۸/۶/۲۳: ۱ و ۴). در ادامه رایزنی‌ها و توسعه روابط با شیوخ عرب خلیج فارس، شیخ راشد بن سعید آل مکتوم امیر امارت دبی در ۹ مهر این سال / ۱ / ۱۹۶۹، برای دیدار یک هفته‌ای به ایران مسافرت نمود و ضمن ملاقات با مقامات ارشد سیاسی، از دستاورد های اقتصادی و کارخانجات ماشین سازی بازدید کرد (همان، ۱۳۴۸/۷/۷: ۹ و ۱۶). در اوایل آبان ماه ۱۳۴۸، امارات جنوب خلیج فارس طی کنفرانسی در ابوظبی در مورد تشکیل فدراسیون اعراب به گفت‌وگو پرداختند. وزارت امور خارجه ایران طی اطلاعیه‌ای، ضمن واکنش صریح و روشن به این گونه اقدامات اعلام کرد تا روشن‌گشتن نهایی وضعیت بحرین، تأسیس این فدراسیون «به هیچ وجه» از سوی ایران مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت (همان، ۱۳۴۸/۸/۳: ۱ و ۴). روزنامه آیندگان در سرمقاله خود با اشاره به تشکیل این کنفرانس، آن را تلاش شتاب زده انگلستان در تسریع تأسیس فدراسیون شیوخ دانست (آیندگان، ۱۳۴۸/۸/۸: ۲). در اواخر آذر ماه ۱۳۴۸، شیخ صقر بن محمد القاسمی حاکم امارت راس الخیمه که در مرداد سال گذشته نیز در ایران اقامت داشت، به تهران مسافرت نموده و با شاه و اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه دیدار کرد. زاهدی در گفتگو با وی از تلاشهای مستمر ایران در جلوگیری از جایگزینی نیروهای غیرمنطقه‌ای و استقرار ثبات و آرامش در خلیج فارس سخن گفت (اطلاعات، ۱۳۴۸/۹/۲۹: ۱؛ ۱۳۴۸/۹/۳۰: ۱ و ۴). همچنین در اواخر دی ماه این سال، شیخ خالد بن محمد القاسمی حاکم شارجه وارد ایران شد و با شاه و زاهدی مذاکراتی را انجام داد (همان، ۱۳۴۸/۱۰/۲۷: ۴ و ۱؛ ۱۳۴۸/۱۰/۲۹: ۱). شیخ خالد بن سلطان القاسمی پسر عموی حاکم شارجه و رئیس اداره بنادر و دریانوردی این امارت که همراه با وی در تهران به سر می‌برد نیز روابط ما بین شارجه و ایران را از بهترین روابط دوستانه که ممکن است میان دو ملت مسلمان وجود داشته باشد، توصیف کرد (همان، ۱۳۴۸/۱۰/۲: ۲۰).

در بهمن ماه ۱۳۴۸، شاه مصاحبه‌ای را با روزنامه اکسیون (Axion) تونس انجام داد و مجدداً سیاست ایران را در عدم به رسمیت شناختن فدراسیون شیوخ تا پیش از مشخص شدن وضعیت بحرین، ابراز نمود (همان، ۱۳۴۸/۱۱/۱۳: ۴). اردشیر زاهدی وزیر خارجه ایران در ابتدای

اسفند این سال گفتگوی مبسوطی را در ارتباط با تحولات منطقه ای با خبرگزاری فرانسه انجام داد و سیاست ایران را در قبال فدراسیون شیوخ و بحرین تشریح کرد:

ایران بدون چشم پوشی از این اعتقاد که بحرین از لحاظ تاریخی جزء لاینفک ایران است، معهداً به پیروی از اصول احترام به حق حاکمیت ملت ها پیشنهاد کرده است که برای تعیین سرنوشت بحرین و آینده سیاسی آن به آراء عمومی مردم این جزایر مراجعه نمود و نتیجه این فرآیند از طرف سازمان ملل متحد تعیین گردد. به هر حال ایران قادر به شناسایی فدراسیونی که بحرین یکی از اعضای آن باشد، نیست و برخی از شیخ نشینهای خلیج فارس و مخصوصاً شارجه و رأس الخیمه ظاهراً این نکته را درک کرده اند و با نظر ایران موافق هستند (همان، ۱۳۴۸/۱۲/۵: ۱ و ۲۴).

فریدون ظلی معاون سیاسی وزارت خارجه ایران در ۲۵ اسفند ۱۳۴۸/۳/۱۶، ۱۹۷۰م، ضمن سخنرانی در کلوپ روتاری تحت عنوان «نقش دولت شاهنشاهی در حفظ و ثبات صلح جهانی» با ذکر این که مسئله بحرین می بایست به صورت دنیا پسندانه حل گردد، برای نخستین بار آشکار ساخت که برای حل اساسی این موضوع، دولت ایران لایحه ای را تقدیم مجلس خواهد کرد (همان، ۱۳۴۸/۱۲/۲۶: ۲۴ و ۲۱ و ۱). پیرو این فرآیند، اردشیر زاهدی در ۹ فروردین ۱۳۴۹/۳/۲۹، ۱۹۷۰م، طی یک سخنرانی در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی و سنا، گزارش رسمی اقدامات دولت ایران را در مورد مسئله بحرین به استماع نمایندگان رساند. در این گزارش مفصل، وی با اشاره به سوابق تاریخی حاکمیت ایران بر این مجمع الجزایر، از تلاش استعمار انگلستان برای عدم اعاده بحرین به ایران سخن گفت (همان، ۱۳۴۹/۱/۹: ۱۳ و ۱). وی با عنوان نمودن این مسئله که «اکنون با توجه به تحولات فعلی و آینده خلیج فارس، ضرورت حل این مشکل دیرین بیش از هر موقع دیگر احساس می شود» از مذاکرات با دولت انگلستان و تفاهم لندن و تهران برای ارجاع پرونده بحرین به سازمان ملل برای نخستین بار و رسمی سخن گفت (همان). با این وجود زاهدی تأکید کرد که در صورت علاقمندی مردم بحرین به ایران، با تمام توان از آن حمایت خواهد شد. با تعیین ویتوریو وینسرگیچاردی (Winser Vittorio Guicciardi) معاون دبیر کل و مدیر کل دفتر سازمان ملل در ژنو به عنوان مسئول بحرین، او در راس یک هیئت ۶ نفره، در ۱۱ فروردین ۱۳۴۹/۱/۳، مارس ۱۹۷۰م، به این مجمع الجزایر مسافرت کرد و مقدمات بررسی چگونگی موضع گیری مردم آن تهیه شد (همان، ۱۳۴۹/۱/۱۰: ۴ و ۱؛ زندفرد، ۱۳۸۰: ۶۸-۶۷). مسئله انتخابات در بحرین و سرنوشت آن، مورد بحث و بررسی های محافل سیاسی و مطبوعاتی در ایران و جهان قرار گرفت (امید ایران، ش ۸۱۷،

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۲۷

۱۳۴۹: ۲). پیروی از سیاست صلح جویانه ایران و ستایش آن در سطوح بین‌المللی، مهم‌ترین مشخصه این گونه تحلیل‌ها بود (همان، ۱۳۴۹/۱/۱۰: ۱). شیخ نشینهای خلیج فارس نیز سیاست ایران را مورد تجلیل قرار داده و آن را نشان‌دهنده حسن نیت در حل مسأله‌های امنیتی، اختلافات دانستند (همان، ۱۳۴۹/۱/۱۱: ۱ و ۴). مقارن با ارجاع پرونده بحرین به سازمان ملل، امارت قطر در ۱۵ فروردین ۱۳۴۹/۴/۱۹۷۰ به عنوان نخستین امیرنشین منطقه خلیج فارس، اعلام استقلال کرد و بلافاصله شیخ احمد بن علی آل ثانی حاکم قطر درخواست مسافرت به ایران و دیدار با مقامات بلند پایه با هدف کسب حمایت تهران کرد، امری که نشان‌دهنده جایگاه برتر و نقش آفرینی ممتاز و همه‌جانبه ایران در معادلات منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود (همان، ۱۳۴۹/۱/۱۶: ۱۳؛ ۱۳۴۹/۱/۱۵: ۱ و ۴). وی در دیدار با شاه در ۱۹ فروردین ماه، سیاست ایران در حل مشکلات منطقه را دلیل حسن نیت آن نسبت به همسایگان دانست (همان، ۱۳۴۹/۱/۱۸: ۴ و ۱۳۴۹/۱/۱۹: ۱ و ۱۶). روزنامه اکسپرس (L'EXPRESS) فرانسه در اشاره‌ای به تحولات خلیج فارس و مسافرت شیخ قطر تنها چند روز پس از اعلام استقلال، آن را نمایانگر حقیقت روشن توانمندی ایران دانست (همان، ۱۳۴۹/۱/۲۴: ۱ و ۴). در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۹/۵/۳، گزارش هیئت سازمان ملل پس از ۱۹ روز اقامت در بحرین منتشر گردید و ساکنان این مجمع‌الجزایر رای به استقلال کامل دادند (همان، ۱۳۴۹/۲/۱۳: ۴ و ۱). متن گزارش بلافاصله به وسیله نمایندگان ایران و انگلستان به اطلاع مقامات مسئول خود رسید. مهدی وکیل نماینده دائمی در مقر سازمان ملل درباره این گزارش ۴ هزار کلمه‌ای با اعضای ۱۵ گانه شورای امنیت به تبادل نظر و گفت‌وگو پرداخت و خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده این شورا در ارتباط با گزارش دبیر کل در مورد بحرین گشت (همان، ۱۳۴۹/۲/۱۶: ۱ و ۴). در نهایت در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹/۵/۱۱، گزارش استقلال بحرین به تصویب شورای امنیت رسید (همان، ۱۳۴۹/۲/۲۱: ۱۵ و ۱؛ ۱۳۴۹/۲/۲۲: ۴۰ و ۱). اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه نیز در برابر نمایندگان مجلس به تشریح سیاست جدید ایران در خلیج فارس و فرایند استقلال بحرین پرداخت (ساکما، ۱۳۴۹/۲/۲۵: ۲۹۳). پس از این رویداد، گزارش دولت ایران در مورد استقلال بحرین در جلسه فوق‌العاده مجلس با ۱۸۶ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف به تأیید رسید. این گزارش در ۲۸ اردیبهشت به اتفاق آراء نیز در مجلس سنا تصویب گشت (اطلاعات، ۱۳۴۹/۲/۲۴: ۴ و ۱؛ ۱۳۴۹/۲/۲۸: ۴ و ۱).

شاه در در مصاحبه‌ای با خبرنگاران رادیو تلویزیون فرانسه که مستقیماً در اروپا پخش شد، با بررسی جامع از تحولات خلیج فارس و پذیرش استقلال بحرین، آن را به مسئله خروج

نیروهای انگلیسی از خلیج فارس قبل از پایان سال ۱۹۷۱ مرتبط ساخت (همان، ۱۳۴۹/۳/۶: ۴ و ۱). ملک فیصل پادشاه عربستان و شریک راهبردی ایران در معادلات جدید خلیج فارس نیز تصمیم تهران به حل مسئله بحرین را یک «پروزی سیاسی» برای آن دانست (همان، ۱۳۴۹/۳/۱۸: ۲۰ و ۱). وزارت خارجه ایران نیز در «کتاب سبز» خود با اشاره به رویداد بحرین عنوان کرد که «ایران توسل به زور را عامل اجرای سیاست و کسب افتخارات ملی نمی داند» (همان، ۱۳۴۹/۳/۲۵: ۴ و ۱؛ ساکما، ۲۹۷/۱۹۵۲۵). هویدا نخست وزیر با اشاره به این تحول اظهار داشت لازم بود تدابیر دور اندیشانه ای برای حفظ منافع جهانی ملت ایران اتخاذ گردد (اطلاعات، ۱۳۴۹/۲/۲۴: ۱ و ۴).

سناتور عباس مسعودی رئیس موسسه اطلاعات نیز طی سخنانی در وزارت کشور، نتایج پذیرش استقلال بحرین از سوی ایران را «بر طرف گشتن ابرهای تیره در آسمان روابط با ملل عرب بر سر این موضوع، دوستی و حسن مناسبات و ایجاد روابط میان ایران و بحرین، پیدایش همبستگی، اتحاد و اتفاق کامل میان کلیه کشورها و ملل خلیج فارس، پیشگامی ایران در حوادث آینده خلیج فارس و سیادت مقتدرانه آن پس از خروج عناصر انگلیسی» دانست (همان، ۱۳۴۹/۱۴/۲: ۵).

مقارن با این تحولات، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان امیر ابوظبی به ایران مسافرت نموده و ضمن دیدار با مقامات ارشد، از سیاست مسالمت آمیز ایران در قبال مسئله بحرین قدردانی کرد (همان، ۱۳۴۹/۲/۲۶: ۱). هویدا نیز اظهار داشت اقدام ایران راه را برای همکاری «برادرانه» در تمام زمینه ها باز کرده است و در نتیجه به توسعه اقتصادی امارات خلیج فارس نیز کمک خواهد گردید (همان، ۱۳۴۹/۲/۲۷: ۱؛ ۱۳۴۹/۲/۲۸: ۴ و ۱). در ابتدای خرداد ماه این سال، هیئت حسن نیت ایران به ریاست منوچهر ظلی معاون سیاسی وزارت امور خارجه به بحرین مسافرت کرد و ضمن دیدار با شیخ این کشور، مقدمات مبادله موافقت نامه دو جانبه فراهم گشت. (همان، ۱۳۴۹/۳/۲: ۴ و ۱؛ ۱۳۴۹/۳/۳: ۱؛ ۱۳۴۹/۳/۴: ۴ و ۱؛ ۱۳۴۹/۳/۵: ۴ و ۱). متقابلاً در ۲۴ خرداد ماه، شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه رئیس شورای دولتی بحرین پیام حکمران بحرین را تسلیم شاه کرد و از عدم مسئله مورد اختلافی مابین طرفین سخن گفت (همان، ۱۳۴۹/۳/۲۴: ۴ و ۱، ۱۳۴۹/۳/۲۶: ۲۳ و ۱). شاه در مراسم افتتاح اجلاسیه جدید مجلسین سنا و شورای ملی که در تاریخ سه شنبه ۱۳۴۹/۷/۱۴/۱۰/۱۹۷۰م، برگزار شد، مسئله بحرین، علل پذیرش این سیاست و نتایج حاصل آن را تحلیل نمود:

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۲۹

ما در مورد جزایر بحرین با لزوم اتخاذ یک تصمیم تاریخی مواجه شدیم. می‌دانید که این جزایر چگونه در ۱۵۰ سال پیش از ایران جدا شدند و کسی چه می‌دانست که در این مدت در آنجا چه فعل و انفعالاتی شده و تعداد جمعیت به چه نسبت و طریقی عوض شده است و آیا در حال حاضر اکثریت مردم آن سرزمین با الحاق به ایران احیاناً موافق یا طرفدار استقلال هستند؟ اگر احیاناً اکثریت طرفدار اشغال آنجا با نیروی قهریه از طرف ما باعث بروز یک دشمنی دامنه‌داری می‌شد که برای ما ضرر آن از نفع بیشتر بود. ولی اگر این اکثریت، ولو اکثریتی ضعیف مایل به انضمام به خاک ما می‌شد، بدهی است ما چشم‌پوشته تمام مشکلات را قبول می‌کردیم و آرزوی آنها را محقق می‌بخشیدیم. پس از مسئله سازمان ملل این امر را پذیرفتیم (همان، ۱۳۴۹/۱۴/۷: ۱ و ۲۴).

یکی از نشریات نظامی نیز با تبعیت از سخنان شاه، استقلال بحرین را چنین تجزیه و تحلیل کرد:

سیاست ایران بر این مبنا بود که پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج برابر این [خط مشی] بود و ایران نمی‌توانست در عین حالی که مشغول مبارزه با بحرین است، راه دوستی خود را با سایر کشورها و واحدهای سیاسی خلیج هموار کند. با توجه به عدم حکومت ایران بر بحرین به مدت صد و پنجاه سال، جز دشمنی و لشکرکشی و مخالفت، امری را مسجل نمی‌ساخت. پذیرش استقلال برای نشان دادن حسن نیت و دیپلماسی صلح بود (ارتش شاهنشاهی، ش ۲، ۱۳۴۹: ۸).

به گفته شاه، گرایش به صلح و جذب قلوب، نماینده سیاست کلی ایران در خلیج فارس بوده است (همان). پیرو این سیاست در ۲۸ آذر ۱۳۴۹/ عیسی بن سلمان حاکم بحرین به ایران مسافرت و با شاه و سایر مقامات دیدار و گفتگو نمود. او در سخنانی، از سیاست خردمندانه، آینده‌نگرانه و صلح‌طلبانه ایران در منطقه خلیج فارس ستایش کرد. (اطلاعات، ۱۳۴۹/۹/۲۸: ۴ و ۱). شاه نیز با تبریک استقلال بحرین عنوان نمود که از عضویت منامه در سازمان ملل پشتیبانی می‌کند (همان، ۱۳۵۰/۵/۲۴: ۱ و ۲ و ۱۷). پس از استقلال بحرین، موافقت نامه تحدید حدود فلات قاره دو کشور امضا شد (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۴، ۱۳۶۴: ۱۹۷۴). مقررات سفر اتباع این کشور به ایران و نوع گذرنامه تدوین شد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۹۳۸؛ ۹۸/۲۹۳/۹۶۴۶)، تجهیزات مورد نیاز بحرین از سوی ایران تامین گشت (همان، ۲۲۰/۱۱۴۱۵؛ ۲۲۰/۳۹۱۵) و در جهت تقویت بودجه مالی آن کشور، همکاری‌های متعدد فنی و اقتصادی انجام شد (همان، ۲۹۳/۸۹۶۳۵؛ ۲۴۵/۴۲۰۶). شرکت نمایندگان بحرین به عنوان عضو اصلی یا

ناظر در موسسات و کنفرانس های بین المللی نیز بلا مانع اعلام شد (همان، ۲۹۳/۴۸۹۸۹؛ ۹۷/۲۹۳/۴۸۰۹). پس از تصمیم قطعی دولت محافظه کار ادوارد هیث در خروج نظامیان انگلستان از خلیج فارس، در اواسط اسفند ماه ۱۳۴۹، محافل بریتانیا از موافقت این کشور با حضور عناصر نظامی ایران بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی خبر دادند (همان، ۱۳۴۹/۱۲/۱۲: ۱۷ و ۱؛ آیندگان، ۱۳۴۹/۱۲/۱۰: ۱؛ ۱۳۴۹/۱۲/۱۱: ۱). پیرو این تحولات در تاریخ ۹ آذر ۱۳۵۰ برابر با ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ میلادی، نیروهای ایرانی در سه جزیره پیاده شده و پرچم ایران نیز بر فراز بلندترین قله ابوموسی به اهتزاز در آمد (استادوخ، کارتن ۲۵، پرونده ۲۱-۱، تاریخ ۱۳۵۰-۱۳۴۹؛ کارتن ۴۰، پرونده ۴-۱، تاریخ ۱۳۵۰-۱۳۴۹ ش). از دیدگاه مقامات ایران، رابطه تنگاتنگی بین استرداد جزایر سه گانه با تعیین تکلیف بحرین و کنفدراسیون شیوخ وجود داشت (علم، ج ۱، ۱۳۷۱: ۶۲-۶۱). در تاریخ ۲۷/۱۳۴۹/۱۲/۸ فوریه ۱۹۷۱، اجتماعی با شرکت حکام امارت های هفتگانه و شیوخ بحرین و قطر تشکیل شد و طرح تاسیس عملی کنفدراسیون امارات عربی متحده پی ریزی گردید. در دوم دسامبر ۱۹۷۱ کشور امارات عربی متحده شامل شش امارت ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و فجیره اعلام موجودیت نمود. یک سال بعد در سال ۱۹۷۲ امارت راس الخیمه نیز به اتحادیه امارات پیوست (رستاخیز، ش ۱۸۴، آذر ۱۳۵۴: ۱۵)، اما قطر و بحرین به علت پاره ای اختلافات داخلی به این تشکیلات محلق نشدند. ایران نیز در ۹ خرداد ۳۰/۱۳۵۰ مه ۱۹۷۱ حمایت کامل خود را از اعلام نمود. در هر دوی این رویدادها ایران با تاکید بر این مسئله که دیگر وضعیت بحرین و استرداد جزایر سه گانه مشخص شده، هیچگونه مخالفتی را نشان نداد (گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۵، ۱۳۶۴: ۲۰۱۱) و با تخصیص بودجه لازم در توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شیوخ نوپای امارات اقدام نمود (ساکما، ۲۲۰/۶۴۵؛ ۲۲۰/۱۰۳۰؛ ۲۲۰/۵۶۰؛ ۶۱۸۵۳/۲۳۰؛ ۲۹۷/۲۰۶۲۷).

۵. نتیجه گیری

منطقه خلیج فارس و دریای عمان در اواخر دهه ۴۰ شمسی / ۶۰ میلادی در سیاست داخلی و منطقه ای دولت پهلوی دوم جایگاه خاصی یافت. مجموعه تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی داخلی و معادلات نوین جهانی سبب ساز این ارتقاء جایگاه شده بود. زوال امپراتوری بریتانیا که موجب عقب نشینی نیروهای انگلیس از این حوزه استراتژیک تا سال ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۱ شده بود، رشد اقتصادی، توانمندی نظامی و روابط تنگاتنگ ایران با جهان غرب و امریکا در

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۳۱

دوران حکومت ریچارد نیکسون از مهمترین عوامل نقش‌آفرینی نوین ایران در منطقه شد. پس از تصمیم دولت انگلستان برای خروج نیروهای خود از سرزمین‌های شرق کانال سوئز و خلیج فارس، امارت‌های کوچک این منطقه خواستار تاسیس یک کنفدراسیون مابین خود گردیدند که بحرین نیز جزئی از آن بود. دولت پهلوی دوم با تأکید بر این استدلال که بحرین بخشی جدایی‌ناشدنی از ایران است، با ایجاد این اتحادیه مخالفت نمود. این موضع‌گیری در تمام مذاکرات با مقامات انگلستان و آمریکا مورد پافشاری جدی قرار گرفت. در اواخر این دهه با مذاکرات طولانی و حساس متعدد، مقامات دولت شاهنشاهی حاضر به پذیرش استقلال بحرین در برابر بازگشت جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی گشتند. پس از این رویداد ایران با تشکیل کنفدراسیون امارت‌های خلیج فارس موافقت نمود. علت این چرخش ناگهانی، تبدیل بحرین به یک کشور مستقل و جدایی آن از حاکمیت ایران اعلام شد. اگر چه سیاست منطقه‌ای ایران در دهه ۴۰ ش / ۶۰ م نسبت به دهه ۵۰ ش / ۷۰ م فاقد الگوی معین یا هدفمندی دراز مدت بود، اما مقامات دولت شاهنشاهی با توجه به بافت کشورهای کوچک خلیج فارس و وضعیت سرزمینی و جغرافیای سیاسی آنان، به منظور طراحی نظام امنیتی جدید که ایران در آن نقش یک قدرت نظامی بازدارنده را داشت، از ادعای قدیمی و سنتی خود درباره بحرین چشم پوشید. این مسئله پذیرش کنفدراسیون خلیج فارس و تسهیل تشکیل آن را موجب گشت.

کتاب‌نامه

کتاب و مقالات

- آوری، پیترو، (۱۳۶۸)، تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی
- آوری، پیترو، (ویراستار)، (۱۳۸۸)، تاریخ ایران دوره پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی، دفتر دوم از جلد هفتم از مجموعه تاریخ کمبریج، مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی
- چمنکار، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، دگرگونی نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس، ۱۳۵۷ - ۱۳۵۰ ش. تاریخ روابط خارجی. سال ۶. شماره ۲۲. بهار
- چمنکار، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- زرین قلم، علی، (۱۳۳۷)، سرزمین بحرین از دوران باستان تا امروز، تهران: سیروس

۱۳۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

زندفرد، فریدون، (۱۳۸۰)، ایران و جهانی پر تلاطم، خاطراتی از خدمت در وزارت امور خارجه، تهران: شیرازه

سعیدوزیری، منوچهر، (۱۳۸۷)، جستجو در گذشته، تهران: زریاب

علم، اسدالله (۱۳۷۱) گفتگوی من با شاه، خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم، گروه مترجمان، تهران: طرح نو.

گاهنامه پهلوی (۱۳۶۴) گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، به اهتمام کتابخانه ملی پهلوی، ج ۴ و ۵، پاریس: سهیل.

میلانی، عباس، (۱۳۹۲)، نگاهی به شاه، تورنتو: پرشین سیرکل

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۶۸)، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران: ناشر مولف

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۷۸)، اردشیر زاهدی و اشاراتی به رازهای ناگفته، تهران: پیکان

نهایندی، هوشنگ؛ بوماتی، ایو، (۱۳۹۲)، محمد رضا شاه پهلوی آخرین شاهنشاه، دادمهر، لوس آنجلس: شرکت کتاب

اسناد

استادوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه)، ۱-۱۲-۶، ۱۳۳۲ش؛ کارتین ۲۵،

پرونده ۱-۲۱، تاریخ ۱۳۴۹-۱۳۵۰ش؛ کارتین ۴۰، پرونده ۴-۱، تاریخ ۱۳۴۹-۱۳۵۰ش

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ۲۳۰/۷۴۰۶؛ ۲۳۰/۳۸۵۵۴؛ ۲۹۳/۱۲۲۵۴۶؛ ۲۹۷/۱۹۵۲۵

؛ ۹۷/۲۹۳/۴۹۳۸؛ ۹۸/۲۹۳/۹۶۴۶؛ ۲۲۰/۱۱۴۱۵؛ ۲۲۰/۳۹۱۵؛ ۲۹۳/۸۹۶۳۵؛ ۲۴۵/۴۲۰۶

؛ ۲۹۳/۴۸۹۸۹؛ ۹۷/۲۹۳/۴۸۰۹؛ ۲۲۰/۶۴۵؛ ۲۲۰/۱۰۳۰؛ ۲۲۰/۵۶۰؛ ۲۳۰/۶۱۸۵۳؛ ۲۹۷/۲۰۶۲۷

نشریات

آیندگان، ۱۳۴۸/۱۰/۱؛ ۱۳۴۸/۳/۱۱؛ ۱۳۴۸/۸/۸؛ ۱۳۴۹/۱۲/۱۰؛ ۱۳۴۹/۱۲/۱۱

ارتش شاهنشاهی، ش ۲، ۱۳۴۹

اطلاعات، ۱۳۴۷/۳/۸؛ ۱۳۴۷/۱/۱۴؛ ۱۳۴۷/۱/۱۵؛ ۱۳۴۷/۱/۲۷؛ ۱۳۴۷/۲/۱۸؛ ۱۳۴۷/۲/۲۲؛

۱۳۴۷/۳/۴؛ ۱۳۴۷/۳/۶؛ ۱۳۴۷/۳/۸؛ ۱۳۴۷/۳/۱۴؛ ۱۳۴۷/۴/۴؛ ۱۳۴۷/۷/۱۸؛ ۱۳۴۷/۵/۲؛

۱۳۴۷/۵/۳؛ ۱۳۴۷/۵/۵؛ ۱۳۴۷/۵/۶؛ ۱۳۴۷/۶/۱۰؛ ۱۳۴۷/۸/۱۳؛ ۱۳۴۷/۸/۱۸؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱؛

۱۳۴۷/۱۰/۴؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۵؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۶؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۹؛ ۱۳۴۷/۱۰/۲۲؛ ۱۳۴۷/۱۰/۲۳؛

۱۳۴۸/۲/۲؛ ۱۳۴۸/۳/۳؛ ۱۳۴۸/۳/۷؛ ۱۳۴۸/۳/۸؛ ۱۳۴۸/۳/۱۰؛ ۱۳۴۸/۳/۱۱؛ ۱۳۴۸/۳/۱۵؛

۱۳۴۸/۵/۲؛ ۱۳۴۸/۵/۵؛ ۱۳۴۸/۶/۱۱؛ ۱۳۴۸/۷/۷؛ ۱۳۴۸/۸/۳؛ ۱۳۴۸/۹/۲۹؛ ۱۳۴۸/۹/۳۰؛

۱۳۴۸/۱۰/۲۷؛ ۱۳۴۸/۱۰/۲۹؛ ۱۳۴۸/۱۰/۲؛ ۱۳۴۸/۱۱/۱۳؛ ۱۳۴۸/۱۲/۵؛ ۱۳۴۸/۱۲/۵

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۳۳

۱۳۴۸/۱۲/۲۶ ؛ ۱۳۴۸/۱/۹ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۰ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۰ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۰ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۱ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۶ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۵ ؛
۱۳۴۹/۱/۱۸ ؛ ۱۳۴۹/۱/۱۹ ؛ ۱۳۴۹/۱/۲۴ ؛ ۱۳۴۹/۲/۱۳ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۱ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۲ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۴ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۶ ؛
۱۳۴۹/۲/۲۸ ؛ ۱۳۴۹/۳/۶ ؛ ۱۳۴۹/۳/۱۸ ؛ ۱۳۴۹/۳/۲۵ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۴ ؛ ۱۳۴۹/۱۴/۲ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۶ ؛
۱۳۴۹/۲/۲۷ ؛ ۱۳۴۹/۲/۲۸ ؛ ۱۳۴۹/۳/۲ ؛ ۱۳۴۹/۳/۳ ؛ ۱۳۴۹/۳/۴ ؛ ۱۳۴۹/۳/۵ ؛ ۱۳۴۹/۳/۲۴ ؛ ۱۳۴۹/۳/۲۶ ؛
۱۳۵۱/۲/۹ ؛ ۱۳۵۰/۵/۲۴ ؛ ۱۳۴۹/۹/۲۸ ؛ ۱۳۴۹/۱۴/۷ ؛ ۱۳۴۹/۳/۲۶

اطلاعات هفتگی، ش ۷۹۴، آذر ۱۳۳۵

امید ایران، ش ۲۵، آذر ۱۳۳۶ ؛ ش ۸۱۷، ۱۳۴۹

بامشاد، ۱۳۴۲/۱۱/۷

تهران مصور، ۱۳۳۶/۱۰/۷

خواندنیها، ۱۳۳۶/۸/۲۸

خوشه، ۱۳۳۵/۱/۱۷

رستاخیز، ش ۱۸۴، آذر ۱۳۵۴

روشنفکر، ۱۳۳۵/۱/۱۶

فرمان، ۱۳۳۶/۱۰/۱۸

کیهان، ۱۳۴۷/۸/۱۵ ؛ ۱۳۴۷/۴/۱۸ ؛ ۱۳۴۷/۶/۶ ؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۶

الکترونیک

تاریخ ایرانی، <http://tarikhirani.ir/fa>

میراث ایران، <https://persian-heritage.com>

عربی

صوت الخلیج، ۲۵ ایلول ۱۹۶۹

الرای العام الکویت، ۲۹ ایلول ۱۹۶۹

Beck, Nelson R, (1978), Britain's Withdrawal from the Persian Gulf and the Formation of the United Arab Emirates 1968-1971, Towson University Journal of International Affairs, Volume XII – Number 2.